

## مقاله پژوهشی

# بررسی فضا-زمان مبنای حفاظت میراث معماری

محمود پورسراجیان<sup>۱\*</sup>

۱- استادیار گروه معماری دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

### چکیده

میراث معماری پیوستار فضا-زمانی است که در تعامل انسان و فضا در زمان شکل گرفته و تمایز و تداوم خود را تعریف کرده است. ارزش‌های وابسته به ابعاد فضا و زمان این پیوستار، منجر به شکل‌گیری مفهوم و امر حفاظت آن در تعامل با مفهوم توسعه و امر تغییر شده است. فرایند حفاظت و توسعه بایستی منجر به تداوم این پیوستار فضا-زمانی و ارزش‌های آن شود. بر این اساس، مقاله پیش رو باهدف اصلی بیان ذهنیت و فعلیت حفاظت و توسعه معماری تاریخی نسبت به عناصر تعریف‌کننده معماری: فضا و زمان، به سؤال اصلی «آیا فرایند حفاظت و توسعه معماری تاریخی، توانسته است پیوستار فضا-زمانی آن را در زمان تداوم بخشد؟»، با رویکرد کیفی و روش استدلال منطقی و شیوه کتابخانه‌ای پاسخ می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در سیر تاریخی حفاظت و توسعه، معماری فضایی سه‌بعدی که بر آن زمان خطی عارض می‌شود پنداشته شده است و بر این اساس، دو دیدگاه کلی نسبت به این پیوستار فضا و زمان شکل گرفته است: اول جدایی زمان از فضا در طی زمان و محصول زمان گذشته بودن فض و دوم جدایی زمان گذشته از فضا در طی زمان و محصول زمان حال و آینده بودن پیوستار فضا و زمان. در دیدگاه دوم، پیوستارهای فضا و زمانی به تعداد فرایندهای حفاظت و توسعه بازتولید می‌شود. نتیجه حاکی از آن است که حاکمیت دیدگاه خطی و عینی بر «زمان»، تقدم فضا بر زمان و عدم ورود زمان به جوهره پدیده‌ها و جدایی زمان از فضا، باعث عدم تداوم پیوستار فضا-زمانی در زمان شده است.

تاریخ دریافت:

۱۵ تیر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۰۴ آذر ۱۴۰۲

### کلیدواژه‌ها:

حفاظت و توسعه،  
پیوستار فضا-زمان،  
میراث معماری،  
فضا،  
زمان

doi: 10.22034/ahdc.2023.20293.1753

E-ISSN: 2645-372X /© 2023. Published by Yazd University This is an open access article under the CC BY 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



## ۱- مقدمه

معماری تاریخی فضایی است که در زمان، در ارتباط با انسان‌ها، دارای ارزش‌هایی شده که به آن بُعد تاریخی داده است. تاریخی بودن آن علاوه بر بعد زمانی به بعد زیبایی‌شناسانه این فضا اشاره دارد که در دو مؤلفه قدمت و منحصر به فرد بودن یا هنری بودن (براندی، ۱۳۹۱) بیان می‌شود. هنری بودن در تجربه انسان در زمان حال تفسیر می‌شود (Montenegro Ortiz, 2022; Smith, 2006; Dewey, 1940). معماری بودن آن بدان معنا است که پیوستاری از فضای سه‌بعدی و زمان است که در زمان، تمایز و تداوم خود را به‌عنوان هویت خود تعریف کرده است (گیدنز، ۱۳۹۱). حفظ معماری تاریخی نیز از نیمه دوم قرن هجدهم، با کاوش‌های سایت‌های باستانی در ایتالیا و انتشار دست‌آورد‌های کاوشگران در کشورهای اروپایی و آفریقایی و اسناد علمی، در تبعیت از تفکرات نئوکلاسیسم، برای انتقال تجارب گذشته مجسم در اثر و فضا، به حال و آینده و به‌ویژه در اواخر قرن ۱۹ در تعامل با توسعه و تغییر اهمیت یافت (براندی، ۱۳۹۱) و مفاهیم علمی صیانت، حفاظت و ... در ادبیات علمی این حوزه وارد شد (یوکیلهتو، ۱۳۸۷). نظریه‌پردازان از ابتدا در ارتباط با فضا و به‌ویژه زمان تشکیل‌دهنده پیوستار فضا-زمانی معماری نظرات تعریف‌کننده و تجویزی متفاوتی داشته‌اند؛ از اعتباربخشی به زمان اولیه توسط ویوله لدوک، زمان زیسته جان راسکین و در زمانی فیلدن و یوکیلهتو و ... بسیاری از آن‌ها تغییر در زمان و ارزشمندی در حال و آینده را لازمه احیای بعد زمان در معماری تاریخی دانسته‌اند (Jokilehto, 2022; HE., 2017; Ashworth et al., 2007; Smith, 2006; Graham, 2002; Feilden & Jokilehto, 1993; Ashworth, 1991; Fitch, 1990; Lynch, 1972; Dewey, 1940). حتی در تعریف یونسکو از میراث - «میراث، ارثیه ما از گذشته است، آنچه ما با آن امروز زندگی می‌کنیم و آنچه ما برای نسل‌های آینده به ارث می‌گذاریم»- میراث به‌عنوان اساس زمان حال، سکوی پرتابی برای آینده، همراه با نسل زمان حال به‌عنوان متولیان آن و به‌عنوان ارتباطی خلاق تفسیر می‌شود (رادول، ۱۳۹۳)؛ اما به گفته بخشی از محققان تغییرات در بسیاری از رویکردها شدت گرفته و در تعارض با تعهد نسبت به حفظ هویت پنداشته شده است (Orbaşlı, 2018; Go et al., 2014; Henderson, 2010; Sinclair-Maragh & Gursoy 2017; Ashworth & Page, 2011 Yao, 2011). از زمان به‌مانند کالایی در زمان عرضه می‌شود و رنگ و بوی مصرف‌گرایانه زمانه حال را به خود گرفته است (Young & Markham, 2020; Ashworth & Page, 2011). بنابراین مقاله پیش‌رو، باهدف تبیین تداوم یا عدم تداوم پیوستار فضا-زمانی معماری تاریخی در فرایند حفاظت و توسعه، به کنکاش در نظرات متفاوت نسبت به مفاهیم شکل‌دهنده پیوستار فضا-زمانی معماری (فضا و زمان) و تأثیر این تفاوت بر حفظ تمایز و تداوم پیوستار فضا-زمانی تاریخی در زمان می‌پردازد. مقاله کنکاشی استوفامی است برای فهم نگرش ذهنی و عملی سیاست‌های حفاظت و توسعه معماری تاریخی نسبت به مؤلفه‌های فضا و زمان و به‌ویژه ترکیب آن‌ها در پیوستار فضا-زمانی معماری؛ به‌بیان دیگر، چگونه این سیاست‌ها تداوم و پیوستگی پیوستار فضا-زمانی معماری را در زمان تعریف کرده‌اند؟ برای پاسخ به این استوفام، با رویکرد کیفی، از طریق شیوه کتابخانه‌ای، سیر تاریخی نگرش‌های ذهنی و عملی حفاظت و توسعه معماری تاریخی و دیدگاه‌های فلسفی نسبت به فضا و زمان و پیوستار فضا-زمانی معماری توصیف شده است و با به‌کارگیری روش استدلال منطقی، نگرش‌های حفاظت و توسعه نسبت به پیوستار فضا-زمان خوانش شده است.

## پرسش‌های پژوهش

- ۱- حفاظت و توسعه معماری تاریخی، در ذهن و عمل، مؤلفه‌های فضا و زمان را چگونه پنداشته است؟
- ۲- آیا فرایند حفاظت و توسعه معماری تاریخی، توانسته است پیوستار فضا-زمانی آن را در زمان تداوم بخشد؟
- ۳- چگونه می‌توان معماری (پیوستار فضا-زمانی) تاریخی را در زمان تداوم بخشید؟

## ۲- ادبیات پژوهش

## ۲-۱- معماری به مثابه پیوستاری از فضا و زمان

فضا چیزی پرمعنا و ژرف است که با دو وجود دیگر یعنی زروان (زمان بی کران) و وات (باد)، همه چیز وجودی را از آن خود کرده است (فلامکی، ۱۳۹۰). به بیان دیگر، جوهره این کیهان یا جهان که بشریت باشعورش به آن تعلق دارد، دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان کاملاً با سه واژه «انرژی، فضا، زمان» خلاصه کرد. انرژی درون فضا و در چارچوب زمانی صورت می‌گیرد (لوفور، ۱۳۹۱). فضا در این سطح، در معنای ذاتی خود تا هنگامی که صفتی یا ویژگی خاصی بر آن متصور نشده‌ایم، وجودی است آمورف<sup>۱</sup>، همگن و فاقد نقطه عطفی که به آن هویت بخشد و بدون ما بوده و خواهد بود؛ بنابراین همان‌طور که فلاسفه‌ای چون هگل، دکارت، کانت و فوکو، بر آن تأکید دارند، فضا وجودی ازلی و تحدیدناپذیر است. البته در دیدگاه اقلیدسی، فضا به‌مثابه گستره‌ای کمی دانسته می‌شود که تحدیدپذیر و قابل اندازه‌گیری است.

ارسطو به‌مانند ریاضیدان هم‌دوره خود اقلیدس، فضای اقلیدسی را عینی، محدودیت پذیر و متناهی می‌داند (گمپرتس، ۱۳۹۹؛ مدپور، ۱۳۸۷)؛ در صورتی که دیگر تعاریف به‌نوعی به مطلق بودن و غیر تحدیدپذیر بودن فضا علاوه بر عینی بودن آن تأکید دارند. افرادی چون دکارت، کانت و فوکو، دو فضای ذهنی و عینی جدای از هم را تعریف می‌کنند، به صورتی که دکارت فضای ازلی را محصورکننده اَبژه و سوژه و فوق آن‌ها می‌داند. به صورتی دیگر، مرلوپونتی، هوسرل و هایدگر به‌عنوان سردمداران پدیدارشناسی، فضا را ذهنی-عینی می‌دانند که در ارتباط با انسان عینیت آن تجربه می‌شود (فلامکی، ۱۳۹۰).

جدول ۱: دیدگاه‌های مرتبط با مفهوم فضا

دیدگاه	نمونه نظریه‌پردازان
مفهومی عینی و صرفاً مکانی و قابل اندازه‌گیری	ارسطو، اقلیدس
وجودی ازلی، تحدیدناپذیر و مفهومی ذهنی و عینی	دکارت، کانت، ریاضی‌دانان، فوکو، زبان‌شناسان و نشانه‌شناسان
وجودی ازلی و مفهومی ذهنی-عینی	پدیدارشناسان

زمان نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و پرچالشی‌ترین مفاهیم در فلسفه و علم، بر اساس دیدگاه فلاسفه یونان، به‌خصوص ارسطو، وجودی یگانه، نامتناهی و ناگسستنی، خطی و قابل اندازه‌گیری است و لحظه‌ها و دوران تجربه‌شده گذشته، پس از انجام ستجش‌ها و ارزیابی‌هایی منطقی، به جهان آتی آدمیان انتقال می‌یابند. ارسطو پی بردن به زمان را ملزوم تشخیص قبل و بعد در حرکت می‌داند (ارسطو، ۱۳۶۳)، البته آن را با حرکت یکی نمی‌پندارد (موسوی کریمی، ۱۳۷۹). بسیاری از فیزیکدانان کلاسیک مانند نیوتن نیز زمان را قابل اندازه‌گیری و یکسان برای همه دانسته‌اند (Khawaldeh, 2023). فلاسفه ایرانی از جمله فارابی، ابن‌سینا و سهروردی به‌مانند ارسطو، زمان را در نسبت به حرکت و تغییر تعریف کرده‌اند (موسوی کریمی، ۱۳۷۹)؛ به‌گونه‌ای که زمان به‌واسطه حرکت بر فضا عارض می‌شود (مختاری گرچکانی، ۱۳۹۴؛ عباس‌زاده و نبوی‌نیا، ۱۴۰۲).<sup>۲</sup> البته در دیدگاه ایرانیان، به‌خصوص زروانیان<sup>۳</sup> علاوه بر زمانی که به‌عنوان ابزار فهم گذر عینی وقوع پدیده‌ها به کار می‌آید، به وجود زمان بی کران و مطلق اعتقاد وجود دارد که به طول، قابل اندازه‌گیری نیست (اذکایی، ۱۳۷۶؛ موسوی کریمی، ۱۳۷۹). برگسن فیلسوف قرن بیستم که اساس فلسفه وی بر مفهوم زمان نهاده شده است (Bogue, Alexander, 1920; 2003) نیز زمان نامتناهی را از زمان زندگی‌شده و زمان دارای خاطره‌ای در وجدان انسان‌ها جدا می‌کند. بر اساس دیدگاه او، زمان یک وجود نامتناهی است که هر لحظه به یک حالت جهان بیرون که هم‌زمان با آن است نزدیک می‌گردد و بار کیفی و تجربی می‌گیرد. البته بر اساس مفهوم «دیرند»<sup>۴</sup> در فلسفه وی، زمان عینی و قابل اندازه‌گیری مترتب بر حرکت پدیده‌ها، زمان دروغین و فضایی‌شده است و زمان حقیقی و راستین واقعیتی است مستقل که از درون و به‌طور ذهنی تجربه می‌شود (آنسل-پیرسون و مالرکی، ۱۳۹۸) و برخلاف نظرات پیشین، فرد به‌فرد متفاوت است و خطی نیست؛ بلکه در آن گذشته، حال و آینده بدون جا، در داخل یکدیگر جاری‌اند (موسوی کریمی، ۱۳۷۹). خطی نبودن زمان و وابسته بودن آن به انسان در نظرات سارتر، هایدگر، مرلوپونتی - علی‌رغم تفاوت‌هایی در ساختار فلسفی آن‌ها با برگسن -

نیز دیده می‌شود (فتح طاهری، ۱۳۹۲). بر اساس نظر مرلوپوتنی زمان تسلسل لحظه‌ها نیست. آینده متأخر نسبت به گذشته نیست و آن مقدم بر حال نیست (قنبری، ۱۳۹۶). هایدگر در مورد غیرخطی بودن زمان می‌گوید: «گذشته خاص از قفا انسان را دنبال نمی‌کند، بل پیشاپیش فراپیش او روان است.» (هایدگر، ۱۳۸۶). حتی به گفته اسلاوی ژیژاک (2012) برخلاف شارحان فلسفه هگل که زمان را در فلسفه او خطی و معطوف به گذشته و حال می‌دانند (اینوود، ۱۳۸۸؛ اردبیلی و آزادی، ۱۳۹۳)، تأکید فلسفه وی را بر غیرخطی بودن زمان می‌پندارد. هگل اصالت را به گذشته و تاریخ می‌دهد و آینده را سرآغاز زمان می‌داند (Fly, 1993). غیرخطی بودن زمان و نسبی بودن آن نسبت به مشاهده‌گر، در نظریه نسبیت آلبرت اینشتین نیز تأکید و تأیید شده است (Hughston & Tod, 1990; Li et al., 2022; Khawaldeh, 2023). اینشتین در سال ۱۹۵۵، چند هفته قبل از فوتش، نظر خود را در مورد زمان این‌چنین بیان می‌کند: «کسانی از ما که به فیزیک معتقدیم، می‌دانیم که تمایز بین گذشته، حال و آینده چیزی جز یک توهم نیست.» (Einstein, 1955).

### جدول ۲: دیدگاه‌های مرتبط با مفهوم زمان پدیده‌های عینی

دیدگاه	نظریه‌پردازان
عینی، قابل اندازه‌گیری، خطی، قابل درک به صورت یکسان توسط انسان‌ها	ارسطو، فارابی، ابن‌سینا، سهروردی، نیوتن
ذهنی، غیرقابل اندازه‌گیری، غیرخطی، قابل درک به واسطه فرد انسان‌ها و تجربه تک‌تک آن‌ها	برگسن، مرلوپوتنی، هایدگر، اینشتین

قابل ذکر است که در فلسفه و فیزیک همیشه دو مفهوم فضا و زمان توأمان مورد بحث قرار گرفته است و برای شرح یکی از دیگری کمک گرفته شده است. در مورد نسبت این دو مفهوم نیز نظرات مختلفی وجود دارد. ارسطو و متعاقبین فلسفه وی، کانت<sup>۵</sup>، فلاسفه مشائی و اشراقی چون فارابی، ابن‌سینا و سهروردی برای درک تغییر و حرکت در پدیده‌ها، زمان خطی و عینی را جدا از فضای عینی بر آن‌ها عارض می‌دانند (مطهری، ۱۳۷۱؛ موسوی کریمی، ۱۳۷۹؛ عباس‌زاده و نبوی‌نیا، ۱۴۰۲). هگل - خواه فلسفه وی را نسبت به زمان خطی و یا بر اساس شرح ژيژاک غیرخطی بدانیم - نسبت بین فضا و زمان را برخلاف فیلسوفان قبل از خود با مقدم دانستن زمان بر فضا و اصالت به گذشته با محوریت تاریخ تعریف می‌کند (اردبیلی و آزادی، ۱۳۹۳؛ توران، ۱۳۸۲). هانری لوفور (۱۳۹۲) اعتقاد دارد که وی فضا را محصول زمان تاریخی معرفی می‌کند که در آن زمان از فضا جدا شده و در چارچوب عقلانیت درونی فضا متصلب و تثبیت می‌شود. در این دیدگاه، زمان که تکرار و چرخش بر آن حاکم است، توسط فضایی بی‌تحرک به‌عنوان محصول تاریخ که مکان و محیط خرد آن درک شده است، مغلوب می‌شود و تمام معنایش را از دست می‌دهد. در مقابل این دیدگاه جدایی فضا از زمان، افرادی چون ملاصدرا، هایدگر و اینشتین هر پدیده و فضای آن را دارای زمان مخصوص به خود دانسته و زمان را بعد چهارم هر پدیده تعریف می‌کنند. همچنین هایدگر و اینشتین با تقدم قائل شدن برای زمان نسبت به فضا، تعریف این پیوستار فضا-زمانی را واسطه به انسان می‌دانند؛ البته با تفاوت‌هایی بعضاً ساختاری در فلسفه و نظرات آن‌ها. ملاصدرا برخلاف فلاسفه مشائی و اشراقی در ذیل حکمت متعالیه، با توجه به قبول حرکت جوهری، حرکت و زمان را عرضی خارجی برای موجود مادی نمی‌داند و با تسری دادن حرکت به مقوله جوهر، زمان را بعدی از ابعاد جوهر (فتوحی و آیت‌اللهی، ۱۳۸۸؛ نجفی‌افرا، ۱۳۸۹؛ عباس‌زاده و نبوی‌نیا، ۱۴۰۲) و بعد چهارم هستی مادی می‌داند (عباس‌زاده و نبوی‌نیا، ۱۴۰۲). اینشتین در ذیل نظریه نسبیت، فضا و زمان را برخلاف فیزیک نیوتنی جدا از هم تعریف نمی‌کند و واقعیت فیزیکی را به‌جای تکامل یک وجود سه‌بعدی (فضایی)، یک وجود چهاربعدی (فضا-زمان) می‌داند (Einstein & Leopold, 1938؛ اسدی، ۱۴۰۱) و زمان وابسته به مسیر را نسبت به مشاهده‌گر نسبی می‌داند (موسوی کریمی، ۱۳۷۹). هایدگر نیز با اصالت دادن به آینده (فیلیپ، ۱۳۸۵)، زمان را بر فضا مقدم می‌داند و اعتقاد دارد زمانی بودن «دازاین»<sup>۶</sup> فضایی بودن آن را ممکن می‌سازد (Inwood, 2000). او در حقیقت بودن فضا-زمان هر چیزی را از طریق درک دازاین یا انسان هستند که خود زمان دارای فضا است، قابل فهم می‌داند.

## جدول ۳: دیدگاه‌های مرتبط با تعامل دو مفهوم فضا و زمان در پدیده‌های عینی

نمونه نظریه‌پردازان	دیدگاه
ارسطو، فلاسفه مشائی و اشراقی چون فارابی، ابن سینا و سهروردی	تقدم فضا بر زمان - زمان خطی و عینی جدای از فضای عینی، عارض بر آن به واسطه حرکت
هگل	تقدم زمان بر فضا - فضای جدای از زمان و محصول زمان تاریخی
ملاصدرا	تقدم فضا بر زمان - زمان خطی و عینی بعد چهارم فضای سه‌بعدی (پیوستار فضا- زمان) و مخصوص هر پدیده
مرلوپونتی، هوسرل، برگسن، هایدگر، آبنشتین	تقدم زمان بر فضا - زمان غیرخطی و ذهنی (وابسته به انسان و تجربه او) بعد چهارم فضای سه‌بعدی (پیوستار فضا- زمان) و مخصوص هر پدیده

## ۲-۲- حفاظت معماری تاریخی در ذهن و عمل

ریشه تئوری‌ها و نظریه‌های مرمت معماری را باید در نیمه دوم قرن هجدهم جستجو کرد؛ زمانی که اولین سنگ بنای دانش و نقد معماری به صورت توأم کار گذاشته می‌شد (رضازاده، ۱۳۸۳). کاوش‌های به‌عمل آمده در «هرکولانتوم» (۱۷۳۸)، «پمپئی» (۱۷۴۸)، انتشار کتاب «شکوه رم» نوشته پیرانزی (۱۷۵۶) و «آثار باستانی آتن» اثر استوارت و روت انگلیسی (۱۷۶۲)، تفکرات جدیدی را در معماری و مرمت پایه‌گذاری کرد (Roberts, 2015; Monserrati, 2023). مبلغین این نهضت که مهم‌ترین آنها «یوهان وینکلمن» مورخ و هنرشناس آلمانی بود، اصالت هنر را در پیروی محض از اصول و آرمان‌های هنر کلاسیک می‌دانستند (Colburn, 2023). در این دوره اصل صحت تاریخی دارای ارزش است و هنرمند می‌تواند از برخی برگشت‌ها به فرم سر باز زده و برخی دیگر را به کار ببرد یا این که به آن‌ها تغییر شکل دهد. سیاست‌ها در مفاهیم «صیانت»<sup>۷</sup> و «مرمت سبکی مبتنی بر تقلید»<sup>۸</sup> خلاصه می‌شود (اسفنجاری کنار، ۱۴۰۰؛ لطفی، ۱۳۹۰؛ رادول، ۱۳۹۳). از مؤثرترین اشخاص این دوره در معماری و مرمت، «اوژن ویوله لدوک»<sup>۹</sup> در فرانسه، «شینکل»<sup>۱۰</sup> در آلمان و «اسکات»<sup>۱۱</sup> در انگلستان بودند. ویوله لدوک در مرمت، به سبک‌شناسی یعنی یافتن روح و خصوصیات اثر هنری معتقد بود و با تلفیق این شناخت و فن کاربرد مواد در دوره خاص اثر و با تجربیات شخصی دست به مرمت می‌زد. البته وی اصالت را برگشت به بنای ساخته‌شده اولیه می‌دانست و برای دوره‌های بعد از زمان اصلی، ارزشی قائل نبود (ارباسلی، ۱۳۹۳). وی تمامی بناها را با یک سبک و طرح بازسازی کرد؛ درحالی که بسیاری از آن‌ها حاصل کار معماران متفاوت در دوره‌های مختلف بودند. در مواردی مرمت در این دوره، با اصل بنا ناهماهنگ بود؛ به این معنا که به‌جای ساختمانی از قرن ۱۶ و ۱۷، بنایی با مشخصات قرون ۱۳ و ۱۴ به دست آمد (Bressani, 2016).

از نیمه دوم سده نوزدهم، در مقابل شور و شوق غیرمنطقی موجود برای بازسازی و تغییر شکل بناها مطابق سبکی همگون با محیط و زمان و یکدست کردن آثار مختلف هر زمان (حناچی، ۱۳۸۵)، انجمن‌های صنفی‌ای برای مطالعه و تعمیر بناهای تاریخی تأسیس می‌گردد و مسئله حفاظت و مرمت اصولی و احترام به تنوع فرهنگی، هویت ملی، منطقه‌ای و محلی (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۶) و حمایت از میراث فرهنگی و اصالت آن‌ها بر پایه تفکرات «جان راسکین» شکل می‌گیرد (Hilton, 2002). در ادامه با تلاش‌های «ویلیام موریس» و انتشار بیانیه‌ای توسط انجمن SPAB که خود او بنیاد نهاد، جریانی با عنوان «جنبش حفاظت مدرن» کار خود را آغاز کرد (یوکیلهتو، ۱۳۸۷؛ فلامکی، ۱۳۹۱؛ Yount, 2005). در زبان انگلیسی، واژه «مرمت»<sup>۱۲</sup>، بار معنایی منفی پیدا کرد و به همین دلیل، با گذر زمان، واژه «حفاظت»<sup>۱۳</sup>، جای آن را گرفت (ایزدی، ۱۳۸۹). آن‌ها بر نگهداری و مراقبت مستمر از آثار تاریخی و حداقل مداخله در آن‌ها تأکید ورزیدند. این جنبش در ابتدا با اعتراضات بسیاری از طرف معتقدان به مرمت سبکی روبه‌رو شد و رونقی نیافت؛ ولی دوباره توسط «کامیلو بویی تو»<sup>۱۴</sup> و «گوستاو جیووانی»<sup>۱۵</sup> در ایتالیا و «ریگل»<sup>۱۶</sup> در اتریش احیا گردید (یوکیلهتو، ۱۳۸۷؛ Semes, 2017). همچنین همکاری‌های بین‌المللی که از حدود سال ۱۸۸۹ به صورت تشکیل کنگره‌های حفاظت آثار باستانی در شهرهای مختلف اروپا، پای گرفت و امر حفاظت را از جنبه محلی، به صورت مسئله‌ای جهانی درآورد (یوکیلهتو، ۱۳۸۷؛ حناچی، ۱۳۹۱؛

(Perepolkin, Havrylenko & Mazur, 2023) و فعالیت سازمان‌های مختلفی همچون «ایکوموس»، «ایکروم»، «ایکم» و «یونسکو»<sup>۱۷</sup>، صدور قطعنامه‌ها، توصیه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، فضای جدیدی را برای هدایت این نهضت فراهم کرد (Hall, 2011; Brown, 2011). پس از جنگ جهانی دوم نیز بازسازی پس از جنگ، بازیابی تاریخ و هویت، حفظ بناهای منحصربه‌فرد و بازسازی بناها و یادمان‌های تاریخی، جلوگیری از تخریب بناها و یادمان‌های تاریخی و تجلیات فرهنگی اهمیت دوچندان یافت. در دهه ۶۰ نقد خردگرایی کارکردگرای بناهای هم‌شکل و انبوه و در عوض تقویت کثرت‌گرایی، تنوع‌طلبی، رد نظریه‌های فراگیر، توجه به سنن و هویت و تکیه بر واقعیت اوج گرفت (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴) و نخستین گام‌های عملی ایجاد فصل مشترک بین توسعه و حفاظت را شاهدیم. پس از کنگره ونیز در سال ۱۹۶۴ ضربه محکمی بر تفکرات مدرن وارد آمد و بینش حفاظت از بناهای منفرد به‌سوی بافت شهری تکامل می‌یابد (لطفی، ۱۳۹۰). گسترش دامنه اقدامات جنبش حفاظت در این دهه، منجر به شکل‌گیری نخستین برنامه‌های مرمت شهری در ایتالیا و انگلستان گردید. رویکرد مهم در این دهه، به‌سوی استفاده مجدد، تجدید حیات کارکردی و احیای بناهای تاریخی و احیای عملکردی و توانمندسازی بافت است (Thomson & Newman, 2018). بر این اساس، با توجه به اهمیت یافتن ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیط‌زیستی و ... در مقیاس شهری، از نیمه دوم قرن بیستم سیاست‌هایی برای تغییر و بهبود شرایط در مقیاس شهری و به دنبال آن معماری زیرمجموعه آن تعریف شد.<sup>۱۸</sup> برای معماری تاریخی که از این پس بدان واژه «میراث»<sup>۱۹</sup> اطلاق می‌شود (یوکیلهتو، ۱۳۷۷؛ ۱۳۸۷؛ رادول، ۱۳۹۳)، به‌عنوان یک ظرفیت در راستای سیاست‌های توسعه‌ای، با به‌کارگیری مفهوم «ارزش فرهنگی و اجتماعی روز» (Feilden & Jokilehto, 1993) و سپس تأکید بر ارزش اقتصادی در کارکرد ایجاد «سرزندگی اقتصادی»<sup>۲۰</sup> (Doratli et al., 2004) با کارکردهای جدید تعریف شد. در ابتدا، در دهه ۷۰ بر ارزش‌های اجتماعی میراث و در دهه ۸۰ بر قابلیت‌های اقتصادی آن تأکید شد (Pendelbery, 2009; dos Santos Figueiredo, Prim & Dandolini, 2022) و دیگر ارزش‌ها تحت‌الشعاع قابلیت‌های اقتصادی قرار گرفت. در دهه‌های ۸۰ و ۹۰، اغلب نواحی حفاظتی در انگلستان، ملزم به ارائه فعالیتی بودند که نه تنها با فرم و شخصیت آنها و نیازهای کارکردی سکونتگاه‌های پیرامونی‌شان متناسب باشد، بلکه بتواند درآمد اقتصادی کافی برای نگهداری خود و بافت پیرامونی‌شان را در درازمدت تأمین کند (صحی‌زاده و ایزدی، ۱۳۸۳؛ EH., 2013؛ HE., 2017). البته در دهه ۹۰، در واکنش به انتقادات ایجادشده پیرامون طرح‌های توسعه مجدد دهه ۸۰، تلاش‌هایی برای صیانت از مکان‌های تاریخی انجام شد و سیاست بازآفرینی شکل گرفت (ارباسلی، ۱۳۹۳؛ لطفی، ۱۳۹۰؛ EH., 2013؛ HE., 2017). میان‌روتر شدن سیاست‌ها نسبت به دهه ۱۹۸۰، به دلیل اهمیت یافتن افزایش اشتغال، کاهش فقر، محرومیت اجتماعی، پیش‌بینی تسهیلات اجتماعی و تمهیدات آموزشی و توجه به میراث و صیانت از بناهای تاریخی در راستای این اهداف بود. در تمام این سیاست‌ها و رویکردها، همچنان که در منشور واشنگتن سال ۱۹۸۷ نیز بدان تأکید شده است، سیاست حفاظت به‌عنوان جزئی از سیاست‌های منسجم توسعه اقتصادی و اجتماعی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای قلمداد شد. در قرن بیست و یکم نیز اسنادی چون «قدرت مکان: آینده محیط‌های تاریخی» و «محیط تاریخی: نیروی برای آینده ما» بر محورهایی همچون تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در تجدید حیات محیط‌های تاریخی، استفاده اقتصادی از بناهای تاریخی، توجه به حفاظت، به‌عنوان ایجادکننده اشتغال در درازمدت و به‌صورت پایدار در مقایسه با ساخت بناهای جدید، توسعه کارگزاری‌ها و شرکت‌های مشارکتی، توجه به گردشگری به‌عنوان یک نیروی سازمان دهنده مؤثر در امر بازآفرینی شهری و دخیل کردن مردم در فرایند مشارکت تأکید شده است (Ashworth & Page, 2011). در برخی از منابع مانند «سند نوزایی»، علناً حفاظت از ساختمان‌های تاریخی به‌عنوان محدودیت بالقوه در توسعه (Pendelbury & Strange, 2011) و در نگاهی متعادل‌تر، اسنادی از میراث انگلستان به استفاده خلاقانه از بناهای تاریخی به‌منظور کارکردهای معاصر اشاره شده است (EH, 2008). در این دیدگاه متعادل‌تر، سیاست بازآفرینی حفاظت‌منا شکل گرفته است که در آن از راهکار «انطباق‌پذیری» و استفاده دوباره از ساختمان‌های تاریخی (رادول، ۱۳۹۳) در راستای اهداف بازآفرینی بهره برده می‌شود.

جدول ۴: سیر تاریخی ذهنیت و فعلیت نسبت به حفاظت

دوره زمانی	ذهنیت نسبت به آثار تاریخی	رویکردهای عملی مرمت
قرن هجدهم تا نیمه اول قرن نوزدهم	علاقه به عتیقه‌های یونان و رم، ایجاد باستان‌شناسی مدرن و تاریخ هنر، ارزشمند دانستن یادمان‌ها و مجموعه‌های منحصر به فرد، مالکیت ملی	شروع تولید و سیستم‌های حمایت، ایجاد موزه، استفاده از منابع معتبر به‌عنوان اساس مرمت، مرمت سبکی و عدم رعایت لایه‌های تاریخی در اصالت
نیمه دوم قرن نوزدهم تا جنگ جهانی دوم	اهمیت دادن به هویت ملی، منطقه‌ای و محلی، نگهداری از بناهای تاریخی و دیگر تجلی‌های هویت فرهنگی مختص یک منطقه جغرافیایی، حفاظت معمارانه، تصمیم‌سازی بر اساس قطعنامه‌ها	شروع حفاظت مدرن بر اساس معیارهای ناشی از منشورها، قطعنامه‌ها و ... (آتن تا آمستردام)، حفظ اصالت کالبدی و حفظ کاربری مصالح در اقدامات تعمیری، رویکرد موزه‌ای
بعد از جنگ جهانی دوم تا اوایل دهه ۶۰	حفظ بناهای منحصر به فرد و بازسازی بناها و یادمان‌های تاریخی، جلوگیری از تخریب بناها و یادمان‌های تاریخی و تجلیات فرهنگی	
اواخر دهه ۶۰ به بعد	حفظ بناهای تاریخی و استفاده از عناصر معاصر به‌شرط هماهنگی، ارزش روز بناها و مناطق تاریخی به ازای پذیرش نقش در توسعه اقتصادی و اهمیت مشارکت مردم در امر حفاظت و جدا نبودن حفاظت از توسعه اجتماعی-اقتصادی و سیاست‌های برنامه‌ریزی شهری	حفاظت و توسعه، حفظ اصالت کالبدی در حین استفاده از عناصر جدید برای ارتقای کیفیت بنا (تعریف معیار اصالت در مفهوم هماهنگی)، بروز طیف راهکارهایی با به‌کارگیری مفاهیم تبدیل و بازآفرینی و ... که تغییر کاربری بنا برای ایجاد کارکرد توسعه‌ای را تجویز می‌کند.

جدول ۵: مفهوم حفاظت در ذهن و عمل نظریه پردازان

نظریه‌پرداز	مفهوم حفاظت
اوژن یوبله لودوک (۱۸۷۹-۱۸۱۴)	حفظ ارزش‌های تاریخی فضای معماری از طریق حفاظت کالبد و عملکرد اولیه و تداوم زندگی بنا از طریق بازسازی کالبدی و عملکردی با تشخیص مرمت‌گر (Bressani, 2016؛ ارباسلی، ۱۳۹۳)
جان راسکین (۱۹۰۰-۱۸۱۹)	حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی فضای معماری و تداوم زندگی آن، از طریق حداقل تغییر کالبدی و عملکردی (Hilton, 2002)
کامیلوسیت (۱۹۰۳-۱۸۴۳)	حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی فضای معماری از طریق حفاظت کالبدی در گذر زمان و تداوم زندگی آن با توجه به ارزش‌های اجتماعی روز (شوای، ۱۳۸۸)
کامیلو بویی‌تو (۱۹۱۴-۱۸۳۶)	حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی فضای معماری از طریق حفاظت کالبدی و به‌کارگیری سرمایه‌های اجتماعی فضای معماری و تداوم زندگی آن با راهکار تبدیل و کاربری جدید سازگار با کالبد بنا و اضافه کردن کالبدی به بنا (یوکیلهتو، ۱۳۸۷؛ Semes, 2017)
کوبین لینچ (۱۹۸۴-۱۹۱۸)	حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی فضای معماری از طریق حفاظت کالبدی و تداوم زندگی آن از طریق عملکرد جدید و مطابق با نیازها و ارزش‌های روز، ایجاد ارتباط بین مردم و فضای معماری و به‌کارگیری مشارکت آنها (Lynch, 1972)
چزاره براندی (۱۹۸۸-۱۹۰۶)	حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی فضای معماری از طریق حفاظت کالبدی و تداوم زندگی آن از طریق عملکرد مطابق با نیازها و ارزش‌های روز (براندی، ۱۳۹۱)
برنالد فیلدن (۲۰۰۸-۱۹۱۹)	حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی فضای معماری از طریق حفاظت کالبدی و تداوم زندگی آن از طریق ایجاد سرزندگی اقتصادی (حناچی، فدایی نژاد، ۱۳۹۰) و عملکرد مطابق با نیازها و ارزش‌های روز (رادول، ۱۳۹۳؛ رحیم زاده، نجفی، ۱۳۸۹)
یوکا یوکیلهتو (۱۹۳۸)	حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی فضای معماری از طریق حفاظت کالبدی (یوکیلهتو، ۱۳۸۷) و تداوم زندگی آن از طریق ایجاد سرزندگی اقتصادی (حناچی، فدایی نژاد، ۱۳۹۰) و عملکرد مطابق با نیازها و ارزش‌های روز (رادول، ۱۳۹۳)

## ۳- روش‌شناسی

در مقاله باهدف شناخت نگرش ذهنی و عملی حفاظت معماری تاریخی نسبت به هدف و اثره خود مفهوم فضا-زمانی معماری، در قالب پارادایم انتقادی و با رویکرد کیفی، ابتدا به توصیف دیدگاه‌های مختلف نسبت به تعریف دو مؤلفه

شکل‌دهنده مفهوم معماری، فضا و زمان و تعریف مفهوم فضا-زمانی معماری پرداخته می‌شود. سپس با توصیف سیر تحول مفهوم حفاظت در ذهن و عمل، سیر دیدگاه‌های موجود آن نسبت به دو مؤلفه زمان و فضا و پیوستار آن‌ها در مفهوم فضا-زمانی معماری، با به‌کارگیری روش استدلال منطقی تحلیل می‌شود.

#### ۴- یافته‌های بحث: ذهنیت و فعلیت حفاظت و توسعه نسبت به پیوستار فضا-زمانی معماری تاریخی

تحلیل دوره قرن هجدهم تا نیمه اول قرن ۱۹ که با نظریات و فعالیت عملی ویوله لدوک نمایندگی می‌شود، نشان می‌دهد که در حفاظت و توسعه معماری تاریخی، دیدگاه نسبت به زمان به‌مانند ارسطو خطی و عینی است و به‌مانند هگل فضای عینی محصول یک دوره تاریخی دیده می‌شود و فضا جدای از زمان -به مفهوم «در زمانی»- مورد حفاظت و توسعه قرار می‌گیرد. از نیمه دوم قرن ۱۹ و با توجه به نظریات جان راسکین احیای مفهوم «در زمانی» بنیان نهاده می‌شود و در نظر افراد دیگر با افزودن ارزش روز به معماری تاریخی، زمان مدنظر قرار می‌گیرد؛ البته به‌صورت عینی، خطی و قابل‌اندازه‌گیری. در عمل نیز فضای سه‌بعدی جدا از مفهوم زمان حفظ می‌شود و در راستای توسعه، فضای بدون زمان با زمان خطی و قابل‌اندازه‌گیری حال و آینده پیوند داده می‌شود و برای ادامه حیات آن تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد.

جدول ۶: دیدگاه نسبت به زمان و فضا در روند تاریخی حفاظت و توسعه معماری تاریخی

توسعه		حفاظت		نظریه‌پرداز	دوره زمانی
فعلیت	ذهنیت	فعلیت	ذهنیت		
- فضای بدون زمان	- فضای عینی - زمان عینی و خطی و قابل‌اندازه‌گیری - حذف زمان از فضا در زمان	- فضای عینی (کالبد معماری) بدون زمان و قابل‌اندازه‌گیری	- زمان عینی و قابل‌اندازه‌گیری	ویوله لدوک	- قرن هجدهم تا نیمه اول قرن نوزدهم
			- فضای اولیه ساخت - حذف زمان از فضا در زمان		
- پیوند فضای بدون زمان (محصول فعل حفاظت) و زمان عینی حال و آینده	- فضای عینی - زمان عینی و خطی و قابل‌اندازه‌گیری - پیوند زمان و فضا در زمان	- فضای بدون زمان عینی است و تحدیدپذیر و قابل‌اندازه‌گیری (کالبد معماری)	- زمان عینی و قابل‌اندازه‌گیری - فضای عینی - پیوند زمان و فضا در زمان	کامیلوسیت کامیلو بویی تو کوبین لینچ چزاره براندی برنالد فیلدن یوکا یوکیلهتو	- نیمه دوم قرن نوزدهم تا جنگ جهانی دو - بعد از جنگ جهانی دوم تا ۱۹۸۷ - ۱۹۸۷ به بعد

#### ۵- نتیجه‌گیری

یافته‌ها گویای دو دیدگاه کلی حفاظت و توسعه معماری تاریخی نسبت به زمان و فضا و معماری به‌عنوان محصول تعامل این دو مفهوم است: یکی، از قرن ۱۸ تا نیمه اول قرن ۱۹ و دیگری، نیمه دوم قرن ۱۹ تا اکنون. در دیدگاه اول، «حفاظت بدون توسعه» تعریف می‌شود و ذهنیت و فعلیت حفاظت نسبت به زمان و فضا باهم یکسان است. البته زمان تنها در هنگام تولید فضای معماری همراه با فضا، پیوستار فضا و زمان را شکل می‌دهد و با فرض خطی و عینی بودن زمان، وجهه «در زمانی» خود را از دست می‌دهد. به‌عبارتی، پیوستار فضا و زمان هگلی تعریف می‌شود که در زمان اولیه خود حفاظت شده است و در حال، فضا جدای از زمان، تنها محصول زمان اولیه است. در دیدگاه دوم، مفهوم «حفاظت همراه توسعه» شکل می‌گیرد. البته در ذهنیت، دیدگاه‌ها در هر دو بخش حفاظت و توسعه نسبت به زمان و فضا یکسان است و فضای دارای زمان (پیوستار فضا و زمان)، وجهه «در زمانی» را به‌طور ذهنی حفظ می‌کند؛ اما در عمل و فرایند حفاظت،



پیوستار فضا و زمانی معماری به صورت فضای سه بعدی و زمان خطی گذشته تعریف شده و بدون زمان، در فرایند توسعه قرار می‌گیرد و در پیوند با زمان حال پیوستار فضای دارای (معروض به) زمان جدید شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، فضای سه بعدی محصول حفاظت قبل از زمان قرارگیری در فرایند توسعه است. در این دیدگاه، پیوستار فضا و زمان با بعد زمانی متفاوت و تکه تکه شده و متکی بر «آن» فرایندهای توسعه شکل می‌گیرد. پیوستار جدید فضا و زمان، تنها فضای سه بعدی خود را از پیوستار فضا و زمانی اولیه با «خود» دارد؛ بنابراین باینکه در دیدگاه دوم، مفهوم «در زمانی» و بعد «زمان» برای فضای معماری به نوعی تعریف می‌شود، اما به دلیل حاکم بودن دیدگاه زمان خطی و عینی بر فرایند حفاظت و توسعه و بالتبع آن، ارزیابی صورت گرفته نسبت به این فرایند با این دیدگاه، بعد زمان به تعداد فرایندهای توسعه، متفاوت از قبل تعریف می‌شود و «تداوم» ندارد؛ بنابراین در هر دو دیدگاه، با توجه به نگرش خطی و عینی نسبت به زمان و جدا پنداشتن فضا و زمان در شکل‌گیری معماری به عنوان یک پدیده، فضای معماری تاریخی در گذشته، حال و آینده تغییر می‌کند و مجاز است که زمان‌های عینی و قابل اندازه‌گیری مختلفی را به خود بگیرد و در زمانه اقتصادمحور امروزه تبدیل به کالای اقتصادی شود. با توجه به دیدگاه دیگر که با تعریف معماری (به عنوان یک پدیده) به صورت پیوستار فضا-زمانی، زمان را بعد چهارم آن و جداناپذیر از جوهره آن می‌بیند و توأمان زمان را ذهنی و غیرقابل اندازه‌گیری و قابل درک به واسطه انسان و تجربه او می‌پندارد، می‌توان با واسطه قرار دادن تفاسیر تجربی انسان‌های مرتبط با فضا، بعد «زمان» پیوستار فضا-زمانی معماری تاریخی را تفسیر و بر اساس آن حفاظت و توسعه را تعریف کرد. در این دیدگاه نسبت به زمان و پیوستار فضا-زمانی، به دلیل وابستگی زمان به انسان مدرک آن و یکی بودن زمان گذشته، حال و آینده و عدم وجود مفاهیم «تقدم و تأخر»، علاوه بر «در زمان» بودن، «تداوم» بعد زمان بدیهی و توجیه پذیر است و از تغییر جلوگیری خواهد شد.

## پی‌نوشت

۱. این واژه، به ویژگی ظاهری ماده مربوط می‌شود، آنگاه که بی وضعیت شکلی تعیین شده، فاقد اندازه‌گیری بر ماده و به هنگام متظاهر شدنش به شکلی که مستقیماً با وضعیت طبیعی آن انطباق دارد، دیده می‌شود (فلامکی، ۱۳۹۰).
۲. قابل ذکر است عده‌ای از متکلمان اسلامی زمان را موهوم و اعتباری می‌دانند (کدیور، ۱۳۷۴). به طور مثال رازی درباره نفی زمان با پرداختن به بحث حادث و قدیم، نتیجه می‌گیرد که به جز این فرض، یعنی قبول موهوم بودن زمان ما به تعدد قدما خواهیم رسید که البته این باطل است (الرازی، ۱۹۸۷؛ عباس‌زاده و نبوی‌نیا، ۱۴۰۲).
۳. پیروان آئین زروانی، یکی از نحله‌های موحد زرتشتی، اعتقاد داشتند که دو بن خیر و شر، یا اهورا و اهریمن، زاده و آفریده زروان یا زمان بیکران هستند و زمان حقیقت وجود را تشکیل می‌دهد. وجود بیکران زاده زمان بیکران است و وجود فانی زاده زمان کرانمند (جلالی مقدم، ۱۳۸۴).
۴. Duration: دکتر فردید واژه دهر را معادل این لفظ قرار می‌دهد. ظاهراً برگسن پس از شنیدن این واژه به شگفتی می‌افتد؛ زیرا همان‌طور که نقل است در ملاقاتی که اقبال لاهوری با وی داشته به حدیث نبوی «لاتسبوا الدهر فان الله هو الدهر» اشاره می‌کند. برگسن با شنیدن این سخن به قدری متعجب می‌شود که از صندلی خود برمی‌خیزد و می‌گوید: واقعاً آیا پیغمبر اسلام چنین حرفی زده است؟ اما توجه به این نکته ضروری است که واژه دهر در پارادایم فلسفه اسلامی بار معنایی خاصی دارد که نمی‌توان آن را بامعنای دیرند در اندیشه برگسن مطابق دانست (فتح طاهری، ۱۳۹۲).
۵. کانت هر دو مفهوم فضا و زمان را ابزاری ذهنی برای فهم مدرکات حسی در تجربه انسان می‌داند (تورانی و دلشاد، ۱۳۹۱).
۶. Dasein: مفهومی که هایدگر در مورد وجود انسان، همچون یگانه هستنده‌ای که می‌تواند به معنای هستی بیندیشد، به کار می‌برد (احمدی، ۱۴۰۰).
۷. Preservation: به معنای حفظ بافت یک مکان در وضعیت موجود آن و به تأخیر انداختن زوال آن است (رادول، ۱۳۹۳).

<sup>8</sup>. Pure Preservation & Mimetic

<sup>9</sup>. E. Viollet-Le-Duc

<sup>10</sup>. K.F.Schinkel

<sup>11</sup>. G.G.Scott

<sup>12</sup>. Restoration

<sup>13</sup>. Conservation

<sup>14</sup>. Camillo Boito

15. Gustavo Giovanni  
 16. Alois Riegl  
 17. ICOMOS, ICCROM, ICOM & UNESCO  
 18. بازسازی (دهه ۱۹۵۰)، باززنده‌سازی (دهه ۱۹۶۰)، نوسازی (دهه ۱۹۷۰)، توسعه مجدد (دهه ۱۹۸۰) و بازآفرینی (دهه ۱۹۹۰)  
 19. Heritage: در این مفهوم جدید، میراث به مثابه حلقه واسطی بین جریان حفاظت از گذشته برای ارزش‌های ذاتی آن و حفاظت به مفهوم منبعی برای جامعه مدرن و نیازهای روز در نظر گرفته می‌شود.  
 20. Economic Vitality

## منابع

- احمدی، بابک (۱۴۰۰). هایدگر و تاریخ هستی. چاپ دهم. تهران: انتشارات مرکز.
- اذکایی، پرویز (۱۳۷۶). رساله زروانی علمای اسلام. میراث اسلامی ایران. دفتر ۴. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- ارباسلی، آیلین (۱۳۹۳). حفاظت معمارانه. ترجمه پیروز حناچی، مرضیه آزادارمکی و یلدا شاه‌تیموری. تهران: دانشگاه تهران.
- اربیلی، محمدمهدی و آزادی، علیرضا (۱۳۹۳). هگل، هایدگر و مسئله زمان. پژوهش‌های فلسفی، ۸(۱۴): ۴۹-۶۹.
- اسدی، مهدی (۱۴۰۱). آیا ملاصدرا از بعد چهارم عدول کرده است؟. متافیزیک، ۱۴(۳۴): ۲۳-۳۷.
- اسفنجاری‌کنار، عیسی (۱۴۰۰). تحول حفاظت شهری در اروپا: به سوی منظر شهری-تاریخی. اصفهان: نقش مانا.
- ایزدی، محمدمسعود (۱۳۸۹). مروری بر سیر تکاملی اندیشه‌ها، رویکردها و برنامه‌های نوین حفاظت و باززنده‌سازی اماکن تاریخی و فرهنگی در جهان. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (صندوق احیاء و بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی و فرهنگی)، تهران.
- اینوود، مایکل (۱۳۸۸). فرهنگ فلسفی هگل. ترجمه حسن مرتضوی. مشهد: نشر نیکا.
- آنسل-پیرسون، کیت و مالرکی، جان (۱۳۹۸). فلسفه برگسن. ترجمه محمدمجواد پیرمرادی. چاپ دوم. تهران: سمت.
- آینشتاین، آلبرت (۱۳۶۲). نسبیت: نظریه خصوصی و عمومی و مفهوم نسبیت. ترجمه محمدرضا خواجه‌پور. تهران: خوارزمی.
- براندی، چزاره (۱۳۹۱). نظریه‌های مرمت. ترجمه پیروز حناچی. چاپ سوم. تهران: دانشگاه تهران.
- توران، امداد (۱۳۸۲). فلسفه تاریخ هگل. نامه مفید، ۳۹(۹): ۲۳-۳۶.
- تورانی، اعلی و دلشاد، فاطمه (۱۳۹۱). عینیت زمان در نگاه ابن‌سینا و کانت. حکمت و فلسفه، ۸(۲): ۱۰۳-۱۱۴.
- جلالی مقدم، مسعود (۱۳۸۴). آئین زروانی: مکتب فلسفی - عرفان زرتشتی بر مبنای اصالت زمان. تهران: امیرکبیر.
- حبیبی، سید محسن؛ مقصودی، ملیحه (۱۳۸۱). مرمت شهری، چاپ اول، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- حناچی، پیروز (۱۳۹۱). مرمت شهری در بافت‌های تاریخی ایران. ویراستار علمی محمود پورسراجیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حناچی، پیروز و فدایی‌نژاد، سمیه (۱۳۹۰). تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت‌های فرهنگی - تاریخی. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۴۶(۴): ۱۵-۲۶.
- رادول، دنیس (۱۳۹۳). حفاظت و پایداری در شهرهای تاریخی. ترجمه پیروز حناچی و یلدا شاه‌تیموری. تهران: دانشگاه تهران.
- الرازی، محمد بن عمر (۱۹۸۷). المطالب العالیه من العلم الالهی. جلد ۷. به تحقیق دکتر احمد حجازی السقا. بیروت: دارالکتب العربی.

- رحیم‌زاده، محمدرضا و نجفی، مهنام (۱۳۸۹). جایگاه درک ارزش‌های ماهوی اثر تاریخی در روند احیاء. در مجموعه مقالات نخستین همایش شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی. سازمان میراث فرهنگی، صندوق احیاء و بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی و فرهنگی.
- رضازاده، مجتبی (۱۳۸۳). خلاصه‌ای از تاریخ مرمت و معرفی صاحب‌نظران مرمت و قوانین مرمتی آثار هنری و مرکز تاریخی شهری، جزوه کلاسی واحد درسی مبانی نظری مرمت، مقطع کارشناسی رشته معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.
- شماعی، علی؛ پوراحمد، احمد (۱۳۸۴). بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- شوای، فرانسواز (۱۳۸۸). شهرسازی، تخیلات و واقعیات، ترجمه محسن حبیبی، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- صحنی‌زاده، مهشید و ایزدی، محمدسعید (۱۳۸۳). حفاظت و توسعه شهری: دو رویکرد مکمل یا مغایر؟. فصلنامه آبادی، (۴۵): ۲۱-۱۲.
- عباس‌زاده، عباس و نبوی‌نیا، مهدی (۱۴۰۲). بررسی مهم‌ترین براهین ابطال تناسخ (برهان ابن سینا و برهان ملاصدرا) و ضرورت استخدام مفهوم زمان در برهان صدرالمتألهین. دوفصلنامه علمی حکمت صدرایی، ۱۱(۲): ۹۹-۱۱۲.
- فتح طاهری، علی (۱۳۹۲). آهنگ زمان در فلسفه حیات برگسن. غرب‌شناسی بنیادی، ۴(۲): ۱۳۱-۱۵۸.
- فتحی، علی و آیت‌اللهی، حمیدرضا (۱۳۸۸). زمان از دیدگاه ملاصدرا و برگسن. معرفت فلسفی، ۷(۲): ۱۳۱-۱۵۰.
- فلامکی، محمدمنصور (۱۳۹۰). ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری. چاپ چهارم. تهران: فضا.
- فلامکی، محمدمنصور (۱۳۹۱). شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب. تهران: نشر فضا.
- فیلدن، برنارد م. و یوکیلهتو، یوکا (۱۳۸۸). راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی. ترجمه پیروز خنچی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فیلیپ، جیمز (۱۳۸۵). دیالوگ پنهان: زمان و خاطره از دیدگاه فروید و هایدگر. ترجمه مجید کمالی. خردنامه همشهری، (۴).
- قنبری، مهدی (۱۳۹۶). مرلوپونتی و گردش دیالکتیکی پدیدارشناسی. شناخت، ۱۰(۱): ۱۴۷-۱۶۸.
- کدیور، محسن (۱۳۷۴). تحلیل و نقد نظریه موهوم بودن زمان. نامه مفید، ۱(۱): ۸۹-۱۳۴.
- گمپرتس، تئودور (۱۳۹۹). متفکران یونانی. ترجمه محمدحسن لطفی. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۱). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. چاپ هشتم. تهران: نشر نی.
- لطفی، سهند (۱۳۹۰). تبارشناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی. تهران: آذرخش.
- لوفور، هانری (۱۳۹۱). تولید فضا. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- مختاری‌گرچکانی، محمدعلی (۱۳۹۴). چیستی زمان. نسیم خرد، ۱(۱): ۸۳-۹۸.
- مددپور، محمد (۱۳۸۷). آشنایی با آرای متفکران درباره هنر. چاپ دوم. تهران: انتشارات سوره مهر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). حرکت و زمان در فلسفه اسلامی. تهران: انتشارات حکمت.
- موسوی کریمی، سیدمسعود (۱۳۷۹). زمان چیست؟. نامه مفید، ۳(۶): ۱۶۳-۱۹۶.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۸۶). سیر اندیشه‌های معماری: تاریخ معماری جهان، تاریخ معماری معاصر و مبانی نظری، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی شعبه واحد تهران، تهران.

- نجفی‌افرا، مهدی (۱۳۸۹). زمان و هستی از دیدگاه ملاصدرا. خردنامه، (۶۰): ۳۰-۴۴.
- هایدرگر، مارتین (۱۳۸۶). هستی و زمان. ترجمه سیاوش جمادی. تهران: انتشارات ققنوس.
- یوکیلهتو، یوکا (۱۳۷۷). استانداردها، اصول و منشورهای بین‌المللی حفاظت. ترجمه سوسن چراغچی. فصلنامه علمی-ترویجی اثر، ۱۹(۳۰-۲۹): ۱۲۱-۱۳۵.
- یوکیلهتو، یوکا (۱۳۸۷). تاریخ حفاظت معماری، ترجمه دکتر محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری، چاپ اول، انتشارات روزنه، تهران.

- Alexander, S (1920). Space, Time, and Deity, Vol. 1, London: Macmillan and Co.
- Ashworth, G. & Page, S.J. (2011). Urban tourism research: Recent progress and current paradoxes. *Tourism management*, 32(1), 1-15.
- Ashworth, G. (1991). *Heritage planning: conservation as the management of urban change*. Geo press.
- Ashworth, G., Graham, B. and Tunbridge, J. (2007). *Pluralising Pasts: heritage, Identity and Place in Multicultural Societies*. London: Pluto.
- Aygen, Z. (2013). *International heritage and historic building conservation: Saving the world's past*. Routledge.
- Bogue, Ronald (2003). *Deleuze on Cinema*, London: Routledge.
- Bressani, M. (2016). *Architecture and the historical imagination: Eugène-Emmanuel Viollet-le-Duc, 1814–1879*. Routledge.
- Brown, G. B. (2011). *The care of ancient monuments: An account of Legislative and other measures adopted in European countries for protecting ancient monuments, objects and scenes of natural beauty, and for preserving the aspect of historical cities*. Cambridge University Press.
- Colburn, H. P. (2023). A brief historiography of Parthian art, from Winckelmann to Rostovtzeff. *Journal of Art Historiography*, (28).
- Dewey, J. (1940). Art as our heritage. In J. Boydston (Ed.), *The later works 1925–1953. 1939–1941 Essays, reviews and miscellany, vol. 14* (pp. 255–257). Carbondale and Edwardsville: Southern Illinois University Press.
- Doratli, N., Hoskara, S.O. & Fasli, M. (2004). An analytical methodology for revitalization strategies in historic urban quarters: a case study of the walled city of Nicosia, North Cyprus. *Cities*, 21(4): 329-348.
- dos Santos Figueiredo, Y. D., Prim, M. A., & Dandolini, G. A. (2022). Urban regeneration in the light of social innovation: A systematic integrative literature review. *Land Use Policy*, 113, 105873.
- Einstein, A. & Leopold I. (1938). *The Evolution of Physics: The Growth of Ideas from Early Concepts to Relativity and Quanta*. Cambridge University Press.
- Einstein, A. (1955). Autograph letter signed ('A. Einstein') to Michele Besso's son, Vero, and sister, Bice Rusconi ('Lieber Vero und liebe Frau Bice'), Princeton, 21 March 1955.
- English Heritage. (2008). *Conservation Principles: Policies & Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment*. London: English Heritage.
- English Heritage. (2013). *Heritage Works: The use of historic buildings in regeneration; a toolkit of good practice*. London: English Heritage.
- Feilden, B. & Jokilehto, J. (1993). *Management Guidelines for world Cultural Heritage Sites*. Rome: ICCROM.
- Feilden, B. & Jokilehto, J. (1993). *Management Guidelines for world Cultural Heritage Sites*. Rome: ICCROM.
- Fitch, J.M. (1990). *Historic preservation: curatorial management of the built world*. Charlottesville, Virginia: University of Virginia Press.

- Flay, J.C. (1993). *Essence and Time in Hegel*. In Stern, R. (ed.). *Hegel Critical Assessments*. (Vol. 3). London: Routledge.
- Graham, B. (2002). *Heritage as Knowledge: Capital or Culture?* *Urban Studies*, 39(5-6): 1003-1017.
- Hall, M. (Ed.). (2011). *Towards World Heritage: international origins of the preservation movement, 1870-1930*. Ashgate Publishing, Ltd..
- Hilton, T. (2002). *John Ruskin*. Yale University Press.
- Historic England. (2017). *The Setting of Heritage Assets: Historic Environment Good Practice Advice in Planning Note 3*. London: Historic England.
- Hughston, L.P. & Tod, K.P. (1990). *An introduction to general relativity*. Vol.5. Cambridge: Cambridge University Press.
- Inwood, M. (2000). *A Heidegger Dictionary*. Oxford: Blackwell Publishers Inc.
- Jokilehto, J. (2022). *EDUCATION AND TRAINING IN HERITAGE CONSERVATION*. TÜBA-KED Türkiye Bilimler Akademisi Kültür Envanteri Dergisi, (25): 11-20.
- Khawaldeh, J. (2023). *Theory of erasing (dropping) the Present*. Available at SSRN.
- Li, Y., Mofarreh, F., Dey, S., Roy, S., & Ali, A. (2022). *General relativistic space-time with  $\eta$  1-Einstein metrics*. *Mathematics*, 10(14), 2530.
- Lynch, K. (1972), *What Time is This Place?* Cambridge: MIT Press.
- Monserrati, M. (2023, June). *A Victorian taste of Italy: Situating the "Italian-Swiss Colony" in California wine culture*. In *Forum Italicum* (p. 00145858231176506). Sage UK: London, England: SAGE Publications.
- Montenegro Ortiz, C.M. (2022). *Pragmatism and Creativity: Patenting the School Art Manifesto from Dewey's Aesthetic Experience*. *Criativity*, 9(1): 130-145.
- Pendlebury, J. & Strange, I. (2011). *Urban conservation and the shaping of the English city*. *Town Planning Review (TPR)*, 82(4): 361-392.
- Pendlebury, J. (2009). *Conservation in the age of consensus*. USA & Canada: Rutledge.
- Perepolkin, S., Havrylenko, O., & Mazur, A. (2023). *Formation and development of international customs law: periodisation issues*.
- Roberts, C. (2015). *Living with the ancient Romans: past and present in eighteenth-century encounters with Herculaneum and Pompeii*. *huntington library quarterly*, 78(1), 61-85.
- Semes, S. (2017). *New design in old cities: Gustavo Giovannoni on architecture and conservation*. *Change Over Time*, 7(2), 212-233.
- Smith, L. (2006). *The Uses of Heritage*. Oxon: Routledge.
- Thomson, G., & Newman, P. (2018). *Urban fabrics and urban metabolism—from sustainable to regenerative cities*. *Resources, Conservation and Recycling*, 132, 218-229.
- Whitrow, G.J. (1973). *The Nature of Time*. New York: Holt, Rinehart and Wilson.
- Yount, A. (2005). *William Morris and the Society for the Protection of Ancient Buildings: Nineteenth and Twentieth Century Historic Preservation in Europe*.
- Zizek, S. (2012). *Less Than Nothing (Hegel and the Shadow of Dialectical Materialism)*. London & New York: Verso.